

استراتژی مدیریت مخازن هیدروکربنی؛ بزنگاه تحولات سیاسی تاریخ معاصر

بیژن مستقل • سردبیر |

بیش از یک سده از ظهور اقتصاد بالادستی در کشورمان می‌گذرد که ما با چند دهه‌ای تأخیر از شروع ترن اقتصاد بالادستی جهانی حرکت کرده‌ایم. منطق این تأخیر هم در مقیاس تدبیر و تفکر اقتصادی در حاکمیت کشور ما طی این سالیان تنها تنها وجود منابع سرشار خدادادی بوده که غریزه اقتصاد سرمایه‌داری غرب را تحریک کرده است. آن روزها را می‌شود با تصویر مظلومانه‌ی کلاه‌نمدی‌ها و بختیاری‌های دستیار و کارگر در کنار کارشناسان سر تا پا مجهز و زبده‌ی غربی که در عکس‌های روابط عمومی شرکت ملی نفت در موزه‌ی نفت و راهروی برخی ادارات دیده می‌شود به‌خوبی درک کرد. عکس‌هایی که در بدو استخدام به‌شکل بدی به غرور خیلی‌ها (مثل حقیر) ضربه می‌زد.

از آن زمان تا کنون همیشه با خود فکر می‌کردم چقدر از آن روزها (منظور شرایط و توان و سطح پتانسیل فنی-حرفه‌ای و علمی و البته تدبیر و طراحی استراتژیک و مدیریت اقتصاد بالادستی آن روزهاست) فاصله گرفته‌ایم که در یک نمود کلی، تحقیر و زبونی به والایی و بزرگی تبدیل شده باشد. یعنی چقدر به مضمون تکان‌دهنده‌ی آن شاعر بزرگوار قرن چهارم حنظله‌ی بادغیسی با تهییج و ایجاد داعیه در باطن خویش عمل کرده باشیم که به‌هیچ‌وجه در این حالت که هستیم راضی نتوانیم بود:

مهرتری اگر به کام شیر در است
شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه
یا چو مردانت مرگ رویاروی

آن روزها به‌سرعت گذشته و تاریخ فراز و فرود این قصه‌ی تکراری زبونی و والایی را می‌شود در لابه‌لای کتب، اسناد و عکس‌ها

تا همین امروز مرور کرد و هر کسی به قدر قدرت تفسیر و تفکر خود و البته ملزم به اسناد و مدارک و با صداقت و عدالت، تعبیری از این قصه تداعی و ارائه کند. اما خواستم این بار و در این گزیده، از زاویه‌ای دیگر با هم به این داستان نگاه کنیم: اما این زاویه‌ی دید به یک چارچوب نیاز داشت؛

آنچه آنها در آن روزها داشتند:

نخستین حرکت‌های نفوذی بیگانگان در به‌دست آوردن ذخایر و منابع زیرزمینی ایران در سال ۱۲۶۳ تا گرفتن اولین امتیاز در سال ۱۲۸۰ ما را به تاریخ و سال‌های اواخر قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ می‌برد. انقلاب صنعتی و گذار از انرژی چوب به انرژی ذغال‌سنگ به‌مرور و به‌دلیل آلودگی‌های ناشی از رونق انقلاب صنعتی در اماکن مسکونی با کشف نفت در آمریکا، روسیه، ایران و خاورمیانه و گذار به انرژی نفت انجام شد. در پنجاه سال اول به‌دلیل قدرت کنترل کشف، تولید و انتقال نفت توسط غربیان (علم و ثروت و طمع) و در یک کلام "اراده‌ی معطوف به قدرت"، سهم کشورهای صاحب این منابع بسیار کم و تنها در حد یک حق‌السکوت تعبیر می‌شود. ظهور شرکت‌های بنیادین در امور تجارت اکتشاف و تولید بین‌المللی و بروز سناریوهای استعماری قرن بیستمی در همین سال‌ها اتفاق افتاد. جرقه‌ی بیداری کشورهای نفت‌خیز با مبارزات ملی شدن نفت و ظهور بازیگران ژئوپلیتیک جدید و سازمان‌هایی مثل اوپک شروع شد و تکوین یافت. تاریخ مصرف برخی از آدمک‌های نوکر بیگانه مثل صدام حسین نیز که سال‌ها برای مبارزه با اوپک از آن استفاده می‌کردند هم وقتی تمام می‌شود که با حمله به کویت، ترس از دسترسی به چاه‌های نفت عربستان مطرح می‌شود. البته می‌بینیم که با وجود اشغال و ناامنی در همین عراق، شرکت‌های

بین‌المللی به‌سادگی برنامه‌ی تولید مستمر را تا مرز ۶ میلیون بشکه هم رسانده‌اند؛ در صورتی که خود عراق ۷۰۰ هزار بشکه مصرف ندارد. آنچه ما در آن روزها داشتیم:

بخشی از گزارش رجال دولت به شاه قاجار در زمان یورش‌های پنجاه سال اول غربیان به کشورمان در قالب امتیازها گویای طرز تفکر و تدبیر حاکمان و خواص حکومتی است و آنچه ما داشتیم

میرزا حسین خان سپهسالار در جریان مذاکرات با ادوارد کوت نماینده‌ی رویتز و تنظیم مفاد امتیازنامه به ناصرالدین شاه می‌نویسد:

"ما هیچ نداده‌ایم که از مداخل حلیه‌ی دولت یک دینار کم بکند. آنچه داده‌ایم منحصرأ عبارت است از بعضی مواد عاطله که تا امروز هیچ منفعتی برای دولت و ملت نداشته و اگر در دست ما بماند بعد از این هم فایده نخواهند بخشید ..."

و الحق که با وجود کمی قوت دماغی این میرزا حسین‌خان که البته خدماتی هم داشته در دوران صدارتش چه خوب آینده را تفسیر کرده است. بعد از او هم وقتی صدر اعظم امین‌السلطان (اتابک اعظم) امتیاز داری را با دریافت ۱۰ هزار سهم رشوه برای خود با همکاری نوکران دیگری مثل کتابچی‌خان؛ رئیس وقت گمرکات ایران به امضاء مظفرالدین شاه رساند، نخستین شرکت اکتشاف تأسیس شد و کار حفاری را در قصر شیرین آغاز کرد.

خدا رحمت کند علی حاتمی کارگردان هزارستان را؛ آنجا که مفتش‌باشی از برخی مظنونین به مشارکت در قتل شاه بابا (ناصرالدین شاه) از میرزا رضا تفتیش می‌کند و جماعتی معتاد و سینه‌ی آفتاب در خواب و خانه‌شاگرد در اندرونی حضرت والا را چقدر هنرمندانه در توصیف آنچه ما در آن روزها داشتیم نشان می‌دهد. تأسیس شرکت نفت



بیشتری برای دو طرف تقاضا کنیم. ما در خلال این سالها از درآمد نفتی زیرساختها و هزینههای جاری را تأمین کردیم و مزیت اقتصادی خاصی به دست نیاورده‌ایم. مدیریت مخازن نفتی به خصوص در خلال جنگ و پس از آن تولید حداکثری و تأمین ارز و نقدینگی و گاهی تهاثر بوده است. به نظر می‌رسد امروز آن بزنگاه تاریخی فرا رسیده است؛ یعنی بازآرایی مخازن قدیم به خصوص در دریا و آرایش جدیدی برای مخازن کم‌حجم‌تر و مکمل مخازن بزرگ. نقش جذب سرمایه پرنرنگ‌تر از فن‌آوری است که البته مشتریان غربی و شرقی در صف سهم خواهی هستند. آیا فرصت‌های زمانی را در نظر داریم؟ چهار سال گذشته را به هر دلیلی تقریباً از دست دادیم؛ اگر به‌طور خوش‌بینانه یک سال هم بدون هیچ آفتی از سمت دشمنان، صرف عقد قراردادهای سه ساله وقت داریم تا به صورت ضربتی روی پای خودمان بایستیم؛ یعنی روی سکوی تمرکز برای توسعه. سازوکارهای حفاظتی و امنیتی روی قراردادهای بالادستی و رگولاتوری را تنظیم کرده و به مصاف رقیبان و همسایگان پیشرو برویم. تحولی اساسی و اجباری هم در رده‌های مدیریتی در راهست که ریسک‌پذیری یک ناخدای بالغ را می‌طلبد. در عرشه‌ی نفت باید همه به‌خط شوند؛ در این بزنگاه یک برنامه‌ی ضربتی در راهست و هنوز هم قصه، قصه‌ی اراده‌ی معطوف به والایی است که از بُن با اراده‌ی معطوف به قدرت متفاوت و متقابل است.

می‌کند و پیشرو سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک. آنها به دنبال میداین توسعه‌ای و تولیدی با هر اندازه‌ای در جهان هستند و هزینه‌ی اکتشاف پرداخت نمی‌کنند. سرمایه‌گذاری روی منابع نامتعارف، مناطق منجمد و آبهای عمیق هم موقتی و گذراست. از سوی دیگر رقابت کشورهای تولیدکننده و پروژه‌های ازدیاد برداشت، آنها را وادار به افزایش تولید هرچه بیشتر می‌کنند. جغرافیای سیاسی نفت و سناریوهای تقویت‌کننده‌ی نظامی؛ اینکه در جنگ با عراق دور تا دور وزارت نفت عراق در بغداد منطقه‌ای امن بود اما سایر جاها سوختند. آنچه ما در این روزها بدان دست یافتیم یا داریم: با پیروزی انقلاب اسلامی، غربی‌ها در دور اول تنها توانستند به قراردادهای خدماتی با سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت ۶-۵ ساله و نرخ بازگشت سرمایه حدود ۱۷-۱۶ درصد دل‌خوش کنند. در معادلات آنها نفت ایران با حدود ۳-۲ میلیون بشکه صادرات، افزایش تدریجی تولید گاز و زیرساخت‌های تحت کنترل تکنولوژیک آنها نهفته بود. برای ما کنترل بر حاکمیت و مالکیت مخازن، نگهداشت مدیریت خودی و حداکثر سهم دولت در این قراردادهای مطرح بوده است. در این دوران گذار مخازن با افت طبیعی فشار و گاهی هم برداشت غیرصیانتی روبرو شدند. اما اکنون به طرف قراردادهایی با محتوی ازدیاد برداشت و درازمدت رفته‌ایم تا سهم

ایران و انگلیس، خرید زمین‌های بختیاری‌ها، و تطمیع رؤسای بختیاری و البته در خوزستان با شیخ خزعل و تأسیس پالایشگاه آبادان در سال ۱۲۹۰ ادامه‌ی کار با این امتیازنامه است. نتیجه‌ی آن هم این جمله لرد کروزون است که گفته: کشتی جنگ جهانی اول روی امواج نفت به پیروزی رسید.

اعتراض پهلوی اول به این امتیازنامه‌ی نابرابر و البته سهم‌خواهی بیشتر با قرارداد ۱۳۱۲، نهضت ملی شدن نفت در دهه‌ی ۱۹۵۰، ظهور بازیگران جدید آمریکایی، فائله‌ی ۲۸ مرداد و کنسرسیوم موج جدید تاکتیکی غارتگران بر مناطق نفت‌خیز کشورمان است که البته وقتی به دوران پردرآمدتر در زمان پهلوی دوم رسید و امنیت نسبی انرژی در اوپک رخ داد، معادلات تجاری اکتشاف و تولید به هم خورد غریبان آنرا هم برنتافتند. انسان به یاد آن جمله دکتر مصدق بعد از کودتا در زندان و در زمان کنسرسیوم می‌افتد که گفت: تا ملت خود از معادن نفت بهره‌برداری نکند به آزادی و استقلال نمی‌رسد.

زاهدی در جواب مصدق می‌گوید: ما در واقع با این کنسرسیوم کلاه سر آمریکا و انگلیس گذاشته‌ایم و تا ۸-۷ سال دیگر هر چه از آنها بگیریم عایدات محسوب می‌شود؛ چون تا ده سال دیگر اتم جای انرژی نفت را می‌گیرد و ذخایر نفت ایران بی‌مصرف می‌ماند. آنچه آنها در این روزها بدان دست یافتند یا دارند:

در گیرودار ظهور ابرقدرت‌های جدید مثل چین و هند دوران گذار نفت کمی به تعویق افتاده و معادلات غریبان اندکی با خطا مواجه شده است. سرمایه‌های صنعتی و تجاری این کشورها برای خرید انرژی خام فسیلی هنوز در کشورهای نفت‌خیز صرف توسعه و تولید از میداین می‌شود. اگرچه غریبان با کنترل سنتی بر زیرساخت‌های نفتی و البته کنترل گاز به دنبال حداکثرسازی استفاده از تأسیسات و بازگشت سرمایه هستند اما با افزایش تدریجی قیمت انرژی نفت و گاز به اقتصادی‌تر شدن انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر می‌اندیشند تا دوران گذار را بدون زیان سپری کنند. BP امروز خود را Beyond Petroleum معرفی



حمل محصولات نفتی با کاروان شتر از روی پل رودخانه بهمنشیر - آبادان - دهه ۱۲۹۰